

@ostad_salehmir

۸۱- ﴿ رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ﴾:

- ۱) خداوندا، بر ما هموار نکن آنچه را طاقت نمی‌آوریم!
- ۲) بارالها، هیچ چیزی را که طاقت نداریم بر ما هموار مکن!
- ۳) پروردگارا، آنچه را هیچ طاقتی بر آن نداریم بر ما تحمیل مکن!
- ۴) ای خدا، چیزی را که نمی‌توانیم طاقت بیاوریم بر ما تحمیل مکن!

لا طاقَة: لا + اسم

گزینه ۳

لا نفی جنس بر سر اسم میاد که بیشتر اوقات اسمش منصوب "مبنی بر فتح" هستش و اسم لانفی جنس بصورت نکره "ی" ترجمه میشه "لا فقر کالجهل: هیچ فقری مانند نادانی نیست" و بیشتر اوقات با "هیچ...نیست" ترجمه میشه

لا تُحْمَلُ: لانھی + فعل مضارع

لا نهی و لا نفی هر دو بر سر فعل مضارع میان ولی لا نهی؛ اعراب فعل مضارع رو تغییر میده و فعل مضارع رو در آخرش ساکن میکنه و اگه فعل مضارع در آخرش "ن" داشت؛ "ن" رو حذف میکنه جز صیغه های جمع مؤنث ولی لانفی هیچ تغییری برای فعل مضارع ایجاد نمیکنه یعنی نه ساکن میکنه و نه "ن" رو حذف میکنه: لا تَذْهَبُونَ: نمی روید "لا نفی" / لا تَذْهَبُوا: نروید "لا نهی"

طاقت نمی آوریم "گزینه ۱" // هیچ چیزی را که طاقت نداریم "گزینه ۲" // نمیتوانیم طاقت بیاوریم "گزینه ۴" اشتباه میباشند

من يتأثر بها!»:

@ostad_salehmir

- (۱) علماء همچون کوهها هستند که تحت تأثیر قدرت ضربه‌ها قرار نمی‌گیرند، و همانطور که در تاریخ می‌بینیم کسی که ضربه‌ها را می‌پذیرد پیروزی را بدست می‌آورد نه کسی که تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد!
- (۲) دانشمندان همچون کوهها از نیروی ضربه‌ها تأثیر نمی‌گیرند، همانطور که در تاریخ مشاهده می‌کنیم آنکه ضربات را تحمل می‌کند پیروزی را کسب می‌کند نه آنکس که تحت تأثیر آنهاست!
- (۳) دانشمندان چون کوه تحت تأثیر قدرت ضربه‌ها نیستند، آنطوری که در تاریخ مشاهده می‌شود همیشه کسی که تسلیم ضربه‌هاست پیروز می‌شود نه کسی که ضربه‌ها بر او مؤثر است!
- (۴) علما کوههایی هستند که قدرت ضربه‌ها بر آنها تأثیری ندارد، بطوریکه تاریخ نشانمان می‌دهد همواره آنکه ضربه‌ها را تاب می‌آورد به پیروزی می‌رسد نه آنکه ضربه‌ها بر او تأثیر دارد!

گزینه ۱

الجبال: اسم جمع هستش و اسمهای جمع بصورت جمع ترجمه میشن جز زمانی که: الف/ اگه بعد از اسم اشاره؛ ال بیاد؛ اسم اشاره بصورت مفرد ترجمه میشه "هؤلاء التلميذات: این دانش آموزان" ب/ اگه معدود اعداد اصلی ۳ تا ۱۰ قرار بگیرن "ثلاثة كُتُب: سه کتاب. پس الجبال که جمع هستش باید بصورت کوه ها ترجمه شه "رد گزینه ۳"

الجبال: اسم معرفه هستش. اسم معرفه شناخته شده هستش. اسمهای معرفه "ال" میگیرن و "تنوین" نمیگیرن جز اسامی عَلَم. اسم معرفه تو ترجمه به سه شکل ترجمه میشه: الف/ بصورت خود کلمه // ب/ با کلمه "این" // ج/ با کلمه "آن" "المسجد: مسجد // این مسجد // آن مسجد" // اسم نکره: اسم ناشناخته هستش و "ال" نمیگیرن و "تنوین" میگیرن و با "ی" در آخر کلمه و "یک" در اول کلمه ترجمه میشن // تبصره ۱: اسمهای معرفه میتونن بصورت نکره ترجمه شن؛ زمانی که بعد از اسم ال دار؛ موصول "الذی؛ الّتی؛ الذین و..." بیاد که در این صورت اسم ال دار؛ با "ی" و اسم موصول با "که" ترجمه میشن: "الرجل الذی: مردی که" // تبصره ۲: اسمهای نکره میتونن بصورت معرفه یعنی بدون "ی" و "یک" ترجمه شن؛ زمانی که خبر واقع شن "اللّهُ عالم: خدا دانا است" پس الجبال معرفه هستش ولی در گزینه ۴ با "ی" ترجمه شده "کوه های" "رد گزینه ۴"

بین گزینه ۱ و ۲ موندید؛ زمانی که بین ۲ گزینه میمونید دنبال تضاد و فرق بین گزینه ها بگردید؛ تو گزینه ۱ "نه کسی که تحت تأثیر آنها قرار میگیرد" بصورت فعل ترجمه شده" // و گزینه ۲ "نه آنکس که تحت تأثیر آنهاست" بصورت اسم ترجمه شده" // "لا مَنْ يتأثر بها" فعل مضارع هستش و باید بصورت فعل ترجمه شه "رد گزینه ۲"

۸۳- « هؤلاء المواطنين أصحاب همة عالية، لا يخافون وقوع الحوادث، بل يُديرونها عندما تقع إدارة تُفيد الناس»:»

(۱) این هموطنان دارای همتی عالی هستند، از وقوع حوادث نمی‌هراسند، بلکه وقتی رخ می‌دهند آنها را چنان اداره می‌کنند که به مردم سود برسانند!

@ostad_salehmir

(۲) این شهروندان همتی عالی دارند، از وقوع حادثه‌ها نمی‌هراسند بلکه هنگامیکه اتفاق می‌افتد، طوری مدیریتش می‌کنند که مردم سود ببرند!

(۳) اینها هموطنانی صاحب همت عالی هستند، از رخداد حوادث نمی‌ترسند بلکه زمان رخ دادن حوادث، بگونه‌ای مدیریتش می‌کنند که به مردم سود برسد!

(۴) این شهروندان، قوی همت هستند، که از رخداد حادثه‌ها نمی‌ترسند بلکه وقتی حادثه رخ دهد، آنچنان اداره‌اش می‌کنند که مردم از آن سود ببرند!

گزینه

اگه بعد از اسم اشاره ؛ ال بیاد ؛ اسم اشاره بصورت مفرد ترجمه میشه "هؤلاء التلميذات: این دانش آموزان" "رد گزینه ۳"

مفعول به ؛ در جواب "چه کسی را" و "چه چیزی را" میاد و بیشتر اوقات با "را" ترجمه میشه و بیشتر اوقات منصوب هستش // فاعل در جواب "چه کسی" و "چه چیزی" میاد و مرفوع هستش و بعد از فعل میاد // تُفيد النَّاسَ: "النَّاسَ" ؛ فتحه گرفته و منصوب هستش پس فاعل نیست و مفعول به هستش پس باید بصورت مفعول به ترجمه شه "هم میتونه بصورت "را" ترجمه شه و هم گاهی اوقات طراح ؛ از کلمه "را" استفاده نمیکنه که در این صورت خودتون تو ذهنتون "را" بیارید و ببینید معنا میده یا نه.

"به مردم سود برساند" "گزینه ۱" //
"مردم سود ببرند" "گزینه ۲" // "مردم
از آن سود ببرند" "گزینه ۴" // "النَّاسَ"
مفعول به بود ولی تو گزینه ۲ و ۴ فاعل
هستش "در جواب "چه کسی" و "چه
چیزی" اومد. "رد گزینه ۲ و ۴"

۸۴ - « لا يُعَيِّنِي فِي دَرُوسِي إِلَّا مَنْ يُحِبُّنِي حُبًّا، وَ هُوَ صَدِيقِي الَّذِي تَقَدَّمَهُ فِي الدَّرُوسِ أَكْثَرَ مِنِّي، وَ تَقَدَّمِي الدَّرَاسِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ يَرْتَبِطُ بِمُسَاعَدَتِهِ! »:

@ostad_salehmir

- ۱) حتماً مرا در درسهایم کمک می‌کند کسی که واقعاً مرا دوست دارد، کسی که در درس از من پیشرفته‌تر است، و او دوست من است و پیشرفت درسی من امسال به یاریش وابسته است!
- ۲) مرا در درسهایم یاری نمی‌رساند جز کسی که حقیقتاً به من علاقه دارد، و او دوستی است که در درس از من جلوتر است، و این سالی است که پیشرفت درسی من به کمک او بستگی دارد!
- ۳) فقط کسی که مرا واقعاً دوست دارد در درسهایم حتماً به من کمک می‌کند، و او آن دوستی است که در درس از من جلوتر است، و در این سال ارتقاء تحصیلی من به یاری او وابسته است!
- ۴) فقط آنکه مرا واقعاً دوست دارد در درسهایم یاری می‌کند، و او دوستی است که پیشرفتش در درس از من بیشتر است، و امسال پیشرفت تحصیلی من به کمک او بستگی دارد!

گزینه ۴

اگر بعد از کلمات منفی "لا ؛ لیس و... ؛" ؛ "إلا" بیاد ؛ به دو صورت ترجمه میشن: الف/ بصورت خودشون ترجمه میشن یعنی منفی میکنن جمله رو // ب/ بصورت مثبت بکار میرن "منفی در منفی همیشه مثبت" که در این صورت ؛ کلمه "إلا" بجای معنای "جز" ؛ بصورت "فقط" ترجمه میشه. // "لا يُعَيِّنِي...إلا" به دو صورت ترجمه میشه: منفی "مرا یاری نمیرساند در درسهایم جز کسی که... " // مثبت "که فعل بصورت مثبت ترجمه شه و "إلا" به جای "جز" بصورت "فقط" ترجمه شه: فقط کسی که مرا واقعاً دوست دارد در درسهایم کمک میکند. // "رد گزینه ۱"

اگر ضمیر به اسم بچسبه باید ترجمه شه "عیشی: زندگی من" // "رَبِّكَ: پروردگار تو" // کلمه "تَقَدَّمَهُ" تو گزینه های ۲ و ۳ نیامده "رد گزینه ۲ و ۳" // معنای لغوی کلمه "أكثر" ؛ "بیشتر" هستش ؛ "و هو صديقى الذى تقدّمه فى الدروس أكثر منى": "و او دوستی است که در درس از من جلوتر است" "گزینه ۲" // "و او آن دوستی است که در درس از من جلوتر است" "گزینه ۳" // "و او دوستی است که پیشرفتش در درس از من بیشتر است" "گزینه ۴"

مرفوعو الرأس دائماً!»:

@ostad_salehmir

- (۱) قصه معلولانی را مطالعه کرده بودم که با مشکلات فراوان در زندگی سخت خود، روبرو می‌شوند اما از هدف خود دست نمی‌کشند و دائماً با افتخار و سربلند هستند!
- (۲) داستان جانبازانی را می‌خواندم که با مشکلات بیشماری در زندگی دردآور خود روبرو هستند، اما از هدفهای خود دست برنمی‌دارند و همواره سربلند می‌باشند!
- (۳) داستان جانبازانی را خوانده بودم که در زندگی دردناک، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند اما از هدفهای خود منصرف نشدند و برای همیشه سربلند ماندند!
- (۴) قصه معلولان را می‌خواندم که با وجود اینکه با مشکلات فراوانی در زندگی رنج‌آورشان روبرو هستند از هدفشان دست بردار نیستند و همواره سربلند می‌باشند!

گزینه ۲

"کان+فعل مضارع=ماضی استمراری": "کان
 یکتب: می نوشت" // "کُنْتُ أَجْلِسُ: می نشستم" //
 "کُنْتُ أَقْرَأُ: می خواندم" ؛ "رد گزینه ۱ و ۳"

زمانی که بین ۲ گزینه می‌مویید دنبال
 تضاد و فرق بین گزینه ها بگردید // تو
 گزینه ۲ و ۴ ؛ دو تضاد وجود دارد

اولی ؛ "اما از هدفهای خود دست بر
 نمی‌دارند" "گزینه ۲" // "از هدفشان
 دست بردار نیستند" "گزینه ۴" ؛ گزینه ۲
 "اما" آورده ولی گزینه ۴ اینطور
 نیست. صورت سوال "ولکن" آورده به
 معنای "اما ؛ ولی" ؛ "رد گزینه ۴"

دومی ؛ هدفهای خود "گزینه ۲" //
 هدفشان "گزینه ۴" // تو گزینه ۲
 بصورت جمع آورده ولی تو گزینه ۴
 بصورت مفرد. // صورت سوال
 "اهدافهم" آورده "رد گزینه ۴"

(۱) إِنْ كَانَتْ الْمَكَيِّفَاتُ تَشْتَغَلُ لَمَّا شَعَرْنَا بِحَرَارَةِ الْجَوِّ إِلَّا قَلِيلاً: اگر کولرها کار نکنند ما فقط کمی از گرمای هوا را احساس می‌کنیم!

@ostad_salehmir

(۲) مَا أَكْثَرَ ارْتِفَاعَ هَذَا الْجَبَلِ، أُرِيدُ أَنْ أَصْعَدَ مِنْهُ وَ لَوْ أَصْبَحَ تَعَبًا: این کوه بلند نیست، می‌خواهم از آن بالا بروم اگرچه خسته بشوم!

(۳) إِنَّمَا عَلَيْكَ أَنْ تَخَافَ مِنْ وَقُوعِ الْحَوَادِثِ حِينَ لَا تَتَّصِحُّكَ أَخْطَاؤُكَ: زمانی که خطاها تو را پند ندهند باید از وقوع حوادث بترسی!

(۴) لَا مَعْلَمَ لِلْحَصُولِ عَلَى أَحْسَنِ الطَّرِيقِ إِلَّا الْعِلْمُ: هیچ نشانه‌ای برای دستیابی بر بهترین راهها جز دانش وجود ندارد!

گزینه ۴

"شعرنا" فعل ماضی هستش و فعل ماضی بیشتر اوقات بصورت گذشته ترجمه میشه. // اگه فعل ماضی ؛ فعل شرط و جواب باشه ؛ میتونه هم بصورت ماضی ترجمه شه و هم به صورت مضارع. "مَنْ صَبَرَ نَجَحَ: الف/ هر کس صبر کرد موفق شد // ب/ هر کس صبر کند موفق میشود یا موفق خواهد شد" ؛ "رد گزینه ۱"

"ما أكثر ارتفاع هذا الجبل: جمله تعجبی هستش" این کوه چقدر بلند است // "ما أفعل" برای تعجب بکار میره: "ما أجمل: چه زیبا" ؛ "رد گزینه ۲"

"إنما" ؛ به معنای "فقط ؛ تنها" هستش "رد گزینه ۳"

- (۱) إِنَّمَا حَيَّةُ الصَّحْرَاءِ قَادِرَةٌ عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ ذَنْبَهَا كَعَصَا لَيْتَخَذَعُ الطَّيُورَ: مارها در صحرا هستند که می‌توانند دمشان را چون عصایی بگردانند تا پرندگان را فریب دهند!
- (۲) إِنَّ الشَّرْشَفَ قِطْعَةً قِمَاشٍ، كَانَ عُمَالُنَا يُنْتَجُونَ الْقِمَاشَ: ملافه قطعه پارچه‌ای است، این پارچه را کارگرانمان تولید می‌کردند!
- (۳) كَادَ السَّائِحُونَ يَمُوتُونَ مِنَ الْخَوْفِ، عِنْدَمَا سَمِعُوا صَوْتَ الْأَسَدِ عَنِ الْقَرِيبِ: هنگامی که گردشگران صدای شیر را از نزدیک شنیدند، چیزی نمانده بود از ترس بمیرند!
- (۴) شَرُّ التَّمَلُّقِ تَصْدِيقُ الْكَلَامِ الَّذِي نَعْلَمُ أَنَّهُ بَعِيدٌ عَنِ الْحَقِّ: بدترین چاپلوسی تأیید آن سخنی است که می‌دانیم از حق دور است!

@ostad_salehmir

سوال ۸۷: گزینه‌ها اشتباه هستند

"إنما"؛ به معنای "فقط؛ تنها" هستند
ولی در گزینه‌ها نیامده

@ostad_salehmir

(۱) یهتَمَ کلّ المواطنين بنظافة البيئة اهتمامًا كثيرًا!

(۲) یهتَمَ المواطنُ الفهيم بنظافة البيئة اهتمامًا بالغًا!

(۳) المواطن ذو اهتمام كثير بنظافة البيئة إذا كان فهيمًا!

(۴) کلّ المواطنين يهتمون بنظافة البيئة إذا كانوا أصحاب الفهم!

گزینه ۲

بیشتر اوقات "کل+اسم معرفه=همه" و
 "کل+اسم نکره=هر" // تو گزینه ۱ و ۴ "کل"
 اومده ؛ در صورتی که تو صورت سوال ؛ "همه"
 یا "هر" نیومده ؛ "رد گزینه ۱ و ۴"

زمانی که بین ۲ گزینه میمونید دنبال
 تضاد و فرق بین گزینه ها بگردید

الفهيم "گزینه ۲" "معرفه" // فهيمًا
 "گزینه ۳" "نکره" // تو صورت سوال
 "بافهم" اومده که معرفه هستش
 چراکه آخرش "ی" یا اولش "یک"
 نگرفته "رد گزینه ۳"

اسم معرفه شناخته شده هستش. اسمهای معرفه "ال"
 میگیرن و "تنوین" نمیگیرن جز اسامی علم. اسم معرفه
 تو ترجمه به سه شکل میتونه ترجمه میشه: الف/
 بصورت خود کلمه // ب/ با کلمه "این" // ج/ با کلمه
 "آن" "الرّجل: مرد // این مرد // آن مرد"

۸۹- « شرف المرء بالعلم والأدب لا بالأصل والنسب ». عین الأنسب لمفهوم العیب @ostad_salehmir

با فخر و هنر زی و بی عیب و عار باش!
هر که این دو ندارد عدمش به ز وجود!
نماند به کس جاودان روزگار!
پیمبرزادگی قدرش نیفزود!

(۱) اندر جهان چو بی هنری عیب و عار نیست
(۲) شرف مرد به جود است و کرامت به سجود
(۳) که نام است اندر جهان یادگار
(۴) چو کنعان را طبیعت بی هنر بود

گزینه ۴

مناسب ترین و نزدیک ترین گزینه رو
میخواد برای مفهوم عبارتی که تو
صورت سوال اومده

مفهوم عبارت ؛ برای شرف ؛ علم و
ادب مهم هستش نه اصل و نسب

نزدیک ترین گزینه به این مفهوم ؛ گزینه ۴ هستش

ترجمه گزینه ۴: کنعان با اینکه فرزند پیامبر
بود "با اصل و نسب" ولی هنری نداشت
"بدون علم و ادب"

يُعَدُّ تلوثُ الهواء مشكلةً كبرى في عالم اليوم، و الكثير من الناس في مختلف أنحاء العالم يتنفسون الهواء الملوّث من دون حتّى التفكير في الضرر الذي يُسببه ذلك للزنتين و لكوكب الأرض بشكل عام! أثبت معظم الدراسات التي أُجريت في هذا المجال أن ملوثات الهواء تُؤدّي إلى ارتفاع درجات حرارة الأرض و سوف يُسبب تغييرًا في الجوّ في الآتي!

وفقًا لبيانات منظمة الصحة العالمية، دخان السيارات يُعد مصدرًا أساسيًا لتلوث الهواء بأنواع الموادّ المُضرة لسلامة الإنسان و للبيئة و يتمّ التخلّص منه باستخدام وسائل النقل العامّة و فحص السيارات في مراحل معيّنة للحفاظ على مقدار الدخان الذي يخرج منها، و استخدام السيارات الكهربائية!

أما إحراق الوقود التي تُستخرج من باطن الأرض كالنفط، فينتشر ملوثات عديدة في الغلاف الجوّي و يُسبب ظاهرة الأمطار الحمضية، و كذلك الذرات الصغيرة التي تُنتجها حركة السيارات، يُؤدّي إلى إيجاد غبارٍ في الجوّ ممّا يُعدّ مصدرًا آخر لتلوث الهواء! و أخيرًا الصناعة في مجالاتها المتنوّعة تُعدّ من مصادر تلوث الهواء أيضًا!

برای مسلط شدن به درک مطلب ؛ باید لغات رو مطالعه کرد که در این صورت ؛ به راحتی داوطلب میتونن به سه سوال ابتدایی درک مطلب جواب بدن

ترجمه متن: آلودگی هوا مشکل بزرگتری "مشکلی بزرگتر" در جهان به شمار می آید و بسیاری از مردم در مختلف سراسر جهان ؛ هوای آلوده را بدون حتی فکر به زبانی که آن برای ریه ها باعث میشود ؛ آن را تنفس میکنند و برای سیاره زمین بصورت عمومی! بیشتر مطالعات که در این زمینه انجام شده ثابت کرده است که آلودگی هوا به بالارفتن درجه حرارت زمین منجر میشود و تغییری را در هوا در آینده سبب خواهد شد.

مطابق با بیانات سازمان بهداشت جهانی ؛ دود ماشینها منبع اساسی برای آلودگی هوا با انواع مواد مضر برای سلامتی انسان و محیط زیست به شمار می آید و رهایی از آن با بکار بردن وسایل حمل و نقل عمومی و معاینه ماشینها در مراحل مشخص شده برای نگهداری بر مقدار دودی که از آن خارج میشود و بکار بردن ماشینهای برقی کامل میشود.

ولی سوزاندن سوختهایی که از زیر زمین استخراج میشود مانند نفت ؛ پس آلودگی های متعددی را در پوسته هوا پراکنده می کند و پدیده بارانهای اسیدی را سبب میشود و همچنین ذرات کوچکی که حرکت ماشینها ؛ آن را تولید میکنند منجر میشود به ایجاد غبار در هوا از آنچه منبع دیگری برای آلودگی هوا به شمار می آید و بالاخره صنعت نیز در زمینه های گوناگون از منابع آلودگی هوا به شمار می آید

- ۱) صعود درجه حراره الارض يجعل حياة الانسان في خطر في الحال و الآتي.
- ۲) الغبار و الغازات السامة المضره التي تُنتجها حركة السيارات.
- ۳) النفايات الصناعيه التي تلوث البيئه و يتلوث الجو باحتراقها.
- ۴) اهتمام المنظمات العالميه بموضوع تلوث الجو.

۹۱- عین الخطأ:

- ۱) تضرر الغازات الملوثة رئة الإنسان و الحيوانات الأخرى فقط!
- ۲) يشمل ضرر المواد الملوثة سلامة البيئه و من يعيش فيها!
- ۳) من عوامل تلوث الجو هي المصافي و محطات إنتاج الغاز.
- ۴) عدّة قليلة من الناس تلتفت إلى أهمية الهواء الذي تتنفس فيه!

۹۰: گزینه ۳ در متن نیامده

۱: بالارفتن درجه حرارت زمین؛ زندگی انسان را در خطر قرار میدهد در حال و آینده

۲: غبار و گازهای سمی مضر که حرکت ماشینها؛ آن را تولید میکنند

۳: زباله های صنعتی که محیط زیست را آلوده میکنند و هوا با سوزاندن آنها آلوده میشود

۴: اهتمام سازمانهای جهانی به موضوع آلودگی هوا

۹۱: گزینه ۱ اشتباه هستش

۱: گازهای آلوده فقط به ریه انسان و حیوانات دیگر ضرر و زیان میرساند

۲: ضرر مواد آلوده سلامتی محیط زیست را فرا میگیرد و کسی که در آن زندگی میکند

۳: از عوامل آلودگی هوا در پالایشگاه ها و ایستگاه ها تولید گاز است

۴: تعداد کمی از مردم به اهمیت هوایی که در آن نفس می کشند توجه میکنند

- (۱) طبخ الخبز و الطّعام بإحراق الخشب.
(۲) استخدام البنزين لحركة السّيارات.
(۳) الألواح الشمسية المثبتة فوق المنازل.
(۴) إنارة المدن بواسطة محطّات إنتاج الكهرباء.
■ عین الخطأ فی الإعراب و التحليل الصرفي (۹۳ و ۹۴)

۹۳ - « يتنفسون - أثبت - كبرى - الملوّث »:

- (۱) الملوّث: اسم - مفرد مذکر - اسم مفعول (مصدره: تلوّث) - معرّف بآل / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «الهواء»
(۲) كبرى: اسم - مفرد مؤنث - اسم تفضيل (مذکره: أكبر) - نكرة - معرب / صفة أو نعت و تابع لموصوفه «مشكلة»
(۳) أثبت: فعل ماضٍ - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - معلوم / فعل و فاعله «معظم» والجملة فعلية
(۴) يتنفسون: فعل مضارع - للجمع الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / فعل و فاعل و مفعوله «الهواء»

سوال ۹۲: گزینه ۲ سوخت پاک نیست

۱: پختن نان و غذا با سوزاندن چوب

۲: بکار بردن بنزین برای حرکت ماشینها

۳: تابلوهای خورشیدی مثبت بالای منازل

۴: اداره شهرها به واسطه ایستگاه های تولید برق

سوال ۹۳: گزینه ۴ اشتباه هستش

يَتَنَفَّسُونَ صيغه للغائبين هستش از باب تَفَعَّل

مصدر

فعل امر

فعل مضارع

فعل ماضی

تَفَعَّل

تَفَعَّل

يَتَفَعَّل

تَفَعَّل

تَنَفَّسَ

تَنَفَّسَ

يَتَنَفَّسُ

تَنَفَّسَ

۹۴ - « يُسَبِّب - يَنْشُر - إِحْرَاق - الْمُتَنَوِّعَة »:

(۱) المتنوّعة: اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: تنوّع) - معرّف بأل - معرب / صفة و مجرور بالتبعية

@ostad_salehmir

للموصوف «مجالات»

(۲) يسبّب: فعل مضارع - للمذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدّ / فعل و مفعوله «تغييرًا»

(۳) ينشر: مضارع - للمذكر الغائب - مجرد ثلاثي - متعدّ - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

(۴) إحراق: اسم - مفرد مذكر - مصدر (من باب إفعال) - معرب / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

گزینه ۱ اشتباه هستش

المتنوّع ؛ اسم فاعل هستش چراکه حرف
اول "م" و یک حرف مانده به آخر "کسره"
گرفته ولی در گزینه ۱ نوشته اسم مفعول

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٩٥-١٠٠)

٩٥- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف: **@ostad_salehmir**

- ١) البلاد الإسلامية مجموعة من الشعوب الكثيرة تختلف في لغاتها و ألوانها!
- ٢) تسقط أسنان سمك القرش دائما و تنمو أسنان جديدة مكانها!
- ٣) الخفاش هو الحيوان اللبون الوحيد الذي يقدر على الطيران!
- ٤) إن استمرت الحالة هكذا، فستشاهد مشاكل جديدة!

در گزینه ٤ حرکت به صورت اشتباه گذاشته شده است

تُشاهد فعل مضارع باب مُفاعلة هستش و حركات این فعل رو بصورت مجهول گذاشته چراکه به حرف اول "ضمه" و یک حرف مانده به آخر "فتحه" داده

در این صورت باید به حرکت کلمه بعد نگاه کرد چراکه اگر مجهول باشه ؛ نائب فاعلش اگر ظاهری باشه بصورت مرفوع میاد

بعد از "فستشاهد" ؛ "مُشاکل" آمده ؛ پس نائب فعل نیست چراکه نائب فاعل مرفوع میاد. پس فعل مجهول نیست و معلوم هستش و باید بصورت "تُشاهد" باشه

۹۶ - عین المبالغتین لهما معنى غير وصفي (غير صفة): @ostad_salehmir

- (۱) هذا الأستاذ صَبَّارٌ أثناء تدریسه و كلامه نَفَّاذٌ بین طلابه!
- (۲) جهزت الفتاة الفهامة مكتبتها بكتب منحها لها معلمها الوهاب!
- (۳) العالم الخلاق أصبح علامة عصره بسبب جهده الكثير في الحياة!
- (۴) كان صديقي في البداية طَيَّارًا ثم غير مهنته إلى بائع الهاتف الجوال!

گزینه ۴

بیشتر اوقات اسم مبالغه بر وزن
"فَعَالٌ" و "فَعَالَةٌ" میاد

سوال گزینه ای رو میخواد که
دو اسم مبالغه ؛ معنای ویژگی و
صفت نداشته باشن

"ظَيَّارًا" به معنای "خلبان" و بر شغل دلالت میکنه و
"الجَوَّال" به معنای "موبایل و تلفن همراه" هستش و
بر ابزار دلالت میکنه و صفت نیستن

- (۱) إِنَّ الْمُزَارِعَ يَسْعَى أَنْ يَحْفَظَ الْخُضْرَوَاتَ بِمَزْرَعَتِهِ مِنَ التَّلْفِ!
- (۲) غَابَاتُ مَدِينَتِنَا غَنِيَّةٌ بِأَخْشَابٍ يُصْنَعُ بِهَا أَشْيَاءٌ مُخْتَلِفَةٌ!
- (۳) مِنْ آمَالِ الْإِنْسَانِ إِنْارَةُ الْمَدَنِ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ!
- (۴) لَا فَضْلَ لِأَحَدٍ عَلَى الْآخَرِينَ بِلَوْنِهِ!

گزینه ۱

گزینه ای رو میخواد که حرف
"ب" نسبت به سه گزینه دیگه ؛
معنای متفاوتی داشته باشه

در گزینه ۱ معنای "در" میده ولی تو
بقیه گزینه ها معنای "با" میده

۹۸- عین المجهول (= المبني للمجهول): @ostad_salehmir

(۱) هاتان البنتان لاثجالسان المتكبرات في كل الأحوال!

(۲) من لم يُؤدّبوا في الصغر لا يُؤدّبهم في الكبر إلا الدهر!

(۳) أختي لا تريد أن تتفق ممّا لا تحبّ بل تحبّ أن تُعطي أحسن ما عندها!

(۴) إنّ كثيرًا من المخترعين لم تُضعف عزمهم حادثه بل تُوصلهم إلى هدفهم!

گزینه ۲

فعل ماضی مجرد اگه مجهول بشه ؛
حرف اولش "ضمه" و یک حرف مونده
به آخرش "کسره" میگیره: "کُتِبَ" // و
فعل مضارع اگه مجهول بشه ؛ حرف
اولش "ضمه" و یک حرف مونده به
آخرش "فتحه" میگیره: يُخَلِّقُ

گزینه ۲ "يُؤدّب" ؛ فعل مضارع هستش و حرف
اولش "ضمه" و یک حرف مونده به آخرش
"فتحه" گرفته و فعل مجهول هستش

۹۹ - عین ما لیس فیہ مفعول مطلق: @ostad_salehmir

- ۱) إلزامُ مُعلِّمنا بممارسةِ الدّروس ليلًا و نهارًا إلزامٌ يُصيِّبنا بالتعب ولكن علينا التّعبية!
- ۲) عندما أسافر إلى قريتنا أمشي بين أشجارها صباح كل يوم مشيًا سريعًا في هوائها النّظيف!
- ۳) قد تُسخطني أعمالُ ابني إسخاطًا ولكنّي أغضُّ عيني و أصبر عليه حتّى أرشده إلى طريق أحسن!
- ۴) أستغرق زمنًا طويلًا في الماضي خائبًا كانّ أبواب الحياة أغلقت عليّ إغلاقًا، ولكنّ الأمل يفتح طريقًا إلى حياتي بغتة!

گزینه ۱ مفعول مطلق نداره

مفعول مطلق مصدری هستش منصوب از جنس فعل ؛ که بیشتر اوقات اگه بعدش صفت یا مضاف الیه بیاد میشه نوعی بیانی و اگه بعدش صفت یا مضاف الیه نیاد میشه تأکیدی

در گزینه ۱ ؛ إلزام خبر هستش

در گزینه ۲ ؛ مشيًا مفعول مطلق نوعی بیانی هستش

در گزینه ۳ ؛ إسخاطا مفعول مطلق تأکیدی هستش

در گزینه ۴ ؛ إغلاقا مفعول مطلق تأکیدی هستش

۱۰۰- عَيْنَ مَا لَمْ يُحَدَفْ فِيهِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ: **@ostad_salehmir**

(۱) لا يَنْفَعُ الصَّبْرُ إِلَّا مَنْ دَرَسَهُ الدَّهْرُ بِالصَّعَابِ قَبْلَ ذَلِكَ!

(۲) لَنْ يَحْصَلَ عَلَى الظَّفَرِ إِلَّا مَنْ شَارَكَ رِجَالَ الْعِلْمِ فِي عَقُولِهِمْ!

(۳) لَيْسَ مَخْتَارًا فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ وَدَبَّرَ أُمُورَهُ عَلَى أَسَاسِ الْعَقْلِ!

(۴) مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ لَيْسَ حَظًّا لَهُ إِلَّا قَلِيلًا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَسْتَشِيرَ الْعُقَلَاءَ فِي الْأُمُورِ!

در گزینه ۴ مستثنی منه حذف نشده

کلمه ای که بعد از "إلا" بیاد ؛ همیشه مستثنی

**برای پیدا کردن مستثنی منه ؛ دور مستثنی
خط بکشید و کلمه ای که مستثنی ازش
جدا شده ؛ همیشه مستثنی منه**

**اگه جمله منفی باشه و مستثنی منه
نداشته باشه ؛ همیشه حصر**

**گزینه ۴ ؛ قلیلاً مستثنی هستش و از
"حظ" جدا شده ؛ پس "حظ" همیشه
"مستثنی منه"**